



گفتگو با محمدامین چیتگران، سازنده پادکست «داستان شب»

## رسانه بی سانسور

اما همچنان خوشحالم که دولت به قصد حمایت از پادکست، وارد این مقوله نشده و به بهانه آن نتوانسته سانسوری در این رسانه ایجاد کند. خوشبختانه هنوز خط قرمزی در این حوزه وجود ندارد و اگر قرار باشد دولت از پادکست به عنوان یک فعالیت فرهنگی حمایت کند سانسور به سرعت در آن راه می یابد.

او اعتقاد دارد: پادکست فارسی توانسته جایگاه خودش را پیدا کند و مخاطبان پادکست از نظر فرهنگی، طبقه متوسط و رو به بالای جامعه هستند؛ یعنی کسانی که کتاب می خوانند، شعر و ادبیات را می شناسند، فیلم و سریال خوب تماشا می کنند. این مخاطبان معمولاً پادکست ها را به صورت حرفه ای دنبال می کنند. تعدد موضوعات پادکست با موضوعاتی نظیر روان شناسی، فناوری اطلاعات، جامعه شناسی، سیاست، طنز و... نیز این شرایط را برای مخاطبان تسهیل کرده است.

### آینده پادکست فارسی

چیتگران می گوید: من معتقدم که در پنج سال آینده، نهایتاً حدود ۲۰ یا ۳۰ پادکست وجود خواهند داشت که تولید و شنیده می شوند و بسیاری از پادکست ها از گردونه خارج خواهند شد. بسیاری از پادکست ها وقتی نتوانند مخاطبی جذب کنند از ادامه فعالیت منصرف می شوند. در حال حاضر پادکست فارسی در جای درست ایستاده و روند خوبی دارد اما در آینده نزدیک، به دلیل مخاطبی که ندارد و فضایی که اشباع شده، به سمت ویدیوکست یا یوتیوبی خواهد رفت.

این پادکستر می افزاید: بسیاری از هنرمندان در روایت داستان شب و رادیو بندر تهران به ما کمک کردند و بدون این که حق الزحمه ای دریافت کنند برایمان داستان خواندند. تنها توضیحی که به آن ها می دادم این بود که این پادکست، اسپانسر ندارد و صرفاً درصد تولید مطالب عام المنفعه است و دستان با لطف تمام پیشنهادمان را برای خواندن داستان می پذیرفتند. البته برخی از دستان هم قبول نمی کردند و قطعاً نمی توان بر آن ها خرده گرفت.

### هیچ چیز جای کتاب را نمی گیرد

چیتگران می گوید: پادکست می تواند نقش پررنگی در عرصه فرهنگ داشته باشد اما مسلماً نمی تواند جای کتاب خواندن را بگیرد. با این حال پادکست ها اتفاق خوبی در عرصه فرهنگ هستند.

پادکست هایی ماندگار خواهند شد که مخاطب ثابت و وفادار داشته باشند، چون بسیاری از افراد فقط پادکست ها را فالو می کنند اما آن ها را نمی شنوند. در چنین شرایطی اگر کسی قرار باشد پادکست جدیدی تولید کند راه بسیار دشواری پیش رو خواهد داشت، مگر آن که موضوعات جنجالی و عجیبی را دنبال کند که برای مخاطب جذاب باشد. در شرایط فعلی، راه اندازی پادکست در هر زمینه ای کار دشواری است.

این پادکستر بیان می کند: تولید محتوایی که کاملاً موردپسند مخاطبان باشد بسیار دشوار است.

او ادامه می دهد: یک بار حدود ساعت دو نصف شب، آقایی به من پیام داد و گفت از شما تشکر می کنم که مرا از مرگ نجات دادید. تعجب کردم و پرسیدم ماجرا چیست. گفت من در شهر نیویورک زندگی می کنم و قصد داشتم روی پل بروکلین خودکشی کنم، وقتی سوار ماشین شدم تا به آنجا بروم، خیلی اتفاقی دوستی یکی از ایزودهای رادیو بندر تهران را برایم ارسال کرده بود و من تا رسیدن به مقصد این ایزود را شنیدم و پس از شنیدن آن احساس آرامش عجیبی داشتم که مرا از اقدام به خودکشی باز داشت. گاهی افرادی به ما پیام می دهند و می گویند در حال گذراندن دوره سوگ هستند و شنیدن رادیو بندر تهران به آن ها در گذر این لحظه های سخت کمک کرده است.

چیتگران به تجربه جالب یکی دیگر از مخاطبان داستان شب اشاره می کند: در دوره تولید داستان شب، گاهی کتابی را انتخاب می کردیم و در یک روز مشخص از هفته آن را برای مخاطبان می خواندیم. کتاب های زیادی مانند سدسال تنهایی، مردی به نام اوه، چشم هایش و بسیاری کتاب های دیگر را در داستان شب خواندیم.



در آن زمان خانمی به من پیام داد و گفت یکی از دوستانش دچار سکنه مغزی شده و دیگر توان خواندن و نوشتن ندارد. این خانم هر روز داستان چشم هایش را روی تلگرام برای دوستش که فقط می توانست پیام های شنیداری را باز کند و بشنود ارسال می کرد. او نتوانسته بود تا حد بسیار زیادی با شنیدن این داستان، دایره لغاتش را بازیابی کند و این اتفاق واقعا خوشایند و لذت بخش بود.

او ادامه می دهد: پادکست فارسی این روزها از نظر تعدد پادکست و مخاطبان اشباع شده است. تا چند سال پیش اگر می خواستید پادکستی تولید کنید جهان کشف نشده ای پیش رویتان بود اما این روزها پادکست های فراوانی در حوزه های مختلف تولید می شوند و شاید بتوان گفت دیگر به سختی می توان پادکست تازه ای با موضوعی جذاب برای مخاطبان تولید کرد.

**محمدامین چیتگران**، یکی از پادکسترهای قدیمی است که در سال ۱۳۹۴ پادکست «داستان شب» را راه اندازی کرد. این پادکست تاکنون حدود ۲۳۵۰ شب برای مخاطبانش داستان خوانده و هر ایزود آن با ۱۳۰ هزار بار دانلود، جزو پادکست های پر مخاطب فارسی است. از زمانی که داستان شب روی اپلیکیشن پادگیر منتشر شد تاکنون حدود ۱۱ میلیون مخاطب داشته است. پادکستی که رأس ساعت ۲۳ داستانی کوتاه برای مخاطبان می خواند و برخی داستان ها به صورت سریالی خوانده می شوند. تیم داستان شب برای خود چارچوب خاصی دارد و اسپانسر غیر فرهنگی نمی پذیرد. پس از داستان شب، چیتگران در سال ۱۳۹۷ پادکست «رادیو بندر تهران» را راه اندازی کرد. او می گوید پادکست یک رسانه مستقل به شمار می آید که چون حمایت دولتی ندارد هنوز سانسور به آن رسوخ نکرده است.

### آغاز داستان شب

محمدامین چیتگران درباره ایده تولید پادکست داستان شب می گوید: در سال ۱۳۹۴ در بازار تهران در حجره ای مشغول به کار بودم و از ۷ صبح تا ۸ شب، پیوسته کار می کردم. مدام خودم را سرزنش می کردم که چرا کتاب نمی خوانم و داستان نمی نویسم. این افکار رها می نمود. یک روز به بازار رفتم و حساب و کتاب ها را تحویل دادم و به یکی از دوستانم پیشنهاد کردم که گروهی برای خواندن داستان در تلگرام ایجاد کنیم و در نظر داشتم نام آن را قصه شب یا داستان شب بگذارم، در نهایت داستان شب را انتخاب کردم و شب اول، داستان نخست را در گروه منتشر کردیم.

در آن زمان، گروه های تلگرامی، ۲۰۰ نفره بودند. پس از ایجاد گروه اول داستان شب، برخی دوستان هنرمند و سلبریتی نیز عضو گروه شدند و حضور آن ها باعث جذب مخاطبان بیشتری شد. گروه های مختلفی تأسیس کردیم تا این که تعداد آن ها به ۶۴

گروه رسید و هر شب داستان ها را در این گروه ها فوراً می کردیم. بعد از این که قابلیت ایجاد کانال به تلگرام اضافه شد، کانال داستان شب را ساختم و داستان ها را به آن منتقل کردیم. این گونه بود که داستان شب شکل گرفت.

این پادکستر ادامه می دهد: در ابتدا قصه ها را خودمان انتخاب می کردیم و معرفی کتاب هم داشتم، برخی داستان ها را نیز مخاطبان پیشنهاد می دادند تا در داستان شب خوانده شود.

این روزها من یکی از اعضا گروه مدیریتی داستان شب هستم و کمتر روی آن تمرکز دارم و بیشتر روی پادکست رادیو بندر تهران متمرکزم که ابتدا یک پادکست شخصی بود، از مرداد ۱۳۹۷ منتشر شد و یک جمعه در میان برای مخاطبانش داستان می خواند. در حال حاضر یک تیم شش نفره تولید محتوا دارد، با همفکری موضوعی را مشخص می کنیم و اعضای گروه محتوای آن را تولید می کنند، بعد من مطالب را در استودیو ضبط می کنم و در نهایت محتوای تولید شده ویرایش می شود.

مراحل پس از نگارش متن تا انتشار ایزود، حدود یک هفته زمان لازم دارد. هر ایزود رادیو بندر تهران شش تا هشت هفته پس از تولید بین ۱۷۰ تا ۲۰۰ هزار بار در اپلیکیشن های مختلف شنیده می شود.

### لذت همراهی با مخاطبان

چیتگران می گوید: مخاطبان پادکست معمولاً از طریق کامنت ها یا پیام های شخصی، تجربیات جالبی را در اختیارمان می گذارند، تجربه هایی مانند این که چه زمانی، در چه حالی و کجا ایزودها را شنیده اند اما من حس می کنم ارتباط من به عنوان پادکستر با مخاطبان، آن قدر قوی است که هنوز ارتباط کاملاً دوسویه میسر نشده است. شاید خیلی طبیعی باشد، چون بسیاری از افراد پادکست را مانند موج رادیو گوش می کنند و برخی از آن ها گاهی اوقات کامنت های مختلفی می گذارند یا فیدبک های جالبی می دهند.

\* پادکست یک رسانه مستقل به شمار می آید که چون حمایت دولتی ندارد هنوز

سانسور به آن رسوخ نکرده است

### پادکست سازی شغل نیست

چیتگران می گوید: پادکستری را نمی توان یک شغل تلقی کرد، زیرا دولت برای کسانی که در حوزه فرهنگ فعالیت می کنند اهمیتی قائل نیست. در ایران بسیاری فعالیت ها مانند نویسندگی، شغل محسوب نمی شود و شما همزمان باید در کنار شغلی که زندگیتان را تأمین کند نویسنده باشید، در غیر این صورت نمی توانید امرار معاش کنید. اقتصاد پادکست از دو شیوه پذیرفتن اسپانسر و حمایت های مردمی (دونیت) تأمین می شود. حمایت های مردمی آن قدر کم است که شاید نباید اصلاً آن را در نظر گرفت.

هیچ پادکستری نمی تواند ادعا کند کاملاً ذائقه مخاطبانش را می شناسد؛ مثلاً گاهی خودم ایزودی را خیلی دوست دارم اما مخاطبان، بازخوردهای مثبت نمی گیرم. فکر می کنم حدود ۵۰ درصد نتوانسته ام سلیقه مخاطبانم را بشناسم و رگ خواب آن ها را بیایم. آشنایی با ذائقه مخاطب، چالش مهم سازندگان پادکست است. مخاطبان رادیو بندر تهران بیشتر در دهه ۳۰، ۴۰ و ۵۰ زندگیشان هستند، البته مخاطبانی از دهه های ۷۰ به بعد هم داریم اما این نسل ها تفریحات مختلفی دارند که شاید پادکست خیلی به چشمشان نیاید و احتمالاً محتوای یوتیوب برای آن ها جذاب تر است.